

مدرسه و بازتولید فرهنگی

ایده‌هایی برگزیده از
دو جامعه‌شناس:
بورديو و برنشتاین

پییر بورديو

راضیه موحدی

شاید مدرسه آنچه را که انتظار دارید به فرزندتان نمی‌آموزد!

«نظریه بازتولید فرهنگی» ریشه در آثار دو متفکر برجسته اروپایی دارد: باسیل برنشتاین و پییر بورديو. فرضیه اساسی این دو نظریه پرداز آن است که درون نظام آموزشی شکل خاصی از نظم اجتماعی وجود دارد که این نظم ناشی از شرایط اجتماعی و تاریخی خارج از این نظام است. نظم اجتماعی، نظام آموزشی کاملاً به این شرایط خارجی وابسته است و در واقع، کارکرد آموزش و پرورش، انتقال میراث فرهنگی جامعه است. در این نظریه مهم است بدانیم که چه چیزی هم از طریق برنامه آموزشی و هم شکل سازمان مدرسه، به مدرسه انتقال پیدا می‌کند. تحصیل کردن و به مدرسه رفتن، نوعی نظام ارتباطی است که در آن، پیام فرهنگی خاصی تولید و تقویت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بازتولید فرهنگی، نظام ارتباطی، نظام آموزشی

صحبت کن تا بگویم از چه طبقه‌ای هستی!

کانون اصلی توجه برنشتاین مسئله انتقال است و اینکه چگونه فرد اصول ارتباط را فرا می‌گیرد و به تفکر و عمل در چارچوب شرایط اجتماعی خاصی می‌پردازد. مطالعه او در زمینه طبقه اجتماعی و قواعد زبان‌شناسی، نمونه جالبی از یک تحلیل منسجم در مورد ساختار و فرایند بازتولید طبقاتی است.

برنشتاین معتقد بود، قواعد زبان‌شناختی کودکان در خلال جامعه‌پذیری اولیه آن‌ها، به لحاظ طبقه اجتماعی‌شان، با یکدیگر متفاوت است. به این معنا که کودکان طبقات پایین‌تر جامعه از قواعد محدودتری نسبت به کودکان طبقات متوسط استفاده می‌کنند. این کودکان از جملات ناقص و کوتاه، غالباً بدون قید و صفت، و مفاهیم غیرانتزاعی و عامیانه استفاده می‌کنند که دقیقاً در برابر زبان رسمی است که در مدرسه با آن صحبت می‌شود.

آیا در بدو ورود به مدرسه با هم برابریم؟

کودک طبقه پایین جامعه از همان بدو ورود به مدرسه در محیطی نابرابر قرار می‌گیرد، زیرا کودک طبقه متوسط از قبل زبان رسمی و بسط یافته مدرسه را آموخته و از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردار است. بنابراین از امکان پیشرفت راحت‌تر و وسیع‌تری نسبت به کودک طبقه پایین نیز برخوردار است. پس اگر برای شما از برنشتاین توصیه‌ای داشته باشیم این است که در مکالمات خود با کودکان، به جای امر یا نهی کردن، تا حد ممکن برای آن‌ها درباره سؤال‌هایی که از شما می‌پرسند، توضیح دهید. به آن‌ها اجازه دهید تا با زبان مفصل آشنا شوند. این کار استفاده از قواعد زبانی را بیشتر می‌کند و اطلاعات جدیدی در اختیار کودک می‌گذارد و او را به پرسیدن سؤال‌های بعدی تشویق می‌کند.



باسیل برنشتاین

بازتولید فرهنگ = انتقال قدرت

بازتولید فرهنگی (فرهنگ والا) ناشی از آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین راه‌هایی است که از طریق آن، ساختار طبقاتی بازتولید می‌شود. نظام آموزشی بهترین راه‌حلی است که تاریخ برای مسئله انتقال قدرت پیدا کرده است. منظور از «فرهنگ والا» تمایز اجتماعی از طریق انجام دادن فعالیت‌هایی است که با درجه بالایی از تفکر همراه است. کودکی که آشنایی بیشتری با این فرهنگ داشته باشد، در مدرسه نیز موفق‌تر عمل می‌کند. در نظر بگیرید که کودک ناآشنا با موسیقی، موزه و ادبیات در برابر کودک آشنا با این موارد چقدر می‌تواند مورد تشویق معلم خود قرار بگیرد!

کودکان طبقه پایین از این‌رو، مدرسه را که تلاشی برای کاهش نابرابری انجام نمی‌دهد، بلکه به آن شدت می‌بخشد، مکانی متخاصم می‌یابند. بخشی از تأثیر خاستگاه خانوادگی بر موفقیت تحصیلی، ناشی از برخورداری دانش‌آموز از همین منابع فرهنگی (قواعد حاکم بر فرهنگ و تجلیات هنری) بیشتر است. برای مثال، بورديو نشان داد نوع الگوی زبانی که توسط خانواده آموزش داده می‌شود، تبیین‌کننده این است که کودک از لحاظ فرهنگی تا چه اندازه از مدرسه فاصله دارد. زبان هر خانواده معرف بخشی از سرمایه فرهنگی آن است.

جبر یا اراده، مسئله این است!

بورديو در آزمایشی برای اثبات تفاوت‌های طبقاتی در نوع جهت‌گیری دانشجویان نسبت به استفاده از زبان، از گروهی از دانشجویان خواست تا معنی کلمه‌ای را که اصلاً وجود خارجی نداشت، تعریف کنند. دانشجویان متعلق به طبقات پایین با احتیاط و ترس به تعریف آن پرداختند، اما دانشجویان طبقات بالا با شجاعت تمام و خیلی سریع معنایی برای آن کلمه پیدا کردند. بورديو دقیقاً مشخص نکرد که چگونه مدرسه سرمایه فرهنگی طبقات پایین را ارزش‌زدایی می‌کند. باید در نظر داشت که وی برای کنشگر اجتماعی نقش زیادی قائل نبود. از نظر او، دانش‌آموزان صرفاً حاملان سرمایه فرهنگی هستند. نظریه‌پردازان بازتولید اجتماعی و فرهنگی به انتقاد از آموزش مدرسه‌ای در جامعه پرداخته‌اند، لیکن تحلیل آن‌ها متضمن نوعی «جبرگرایی» است. گویی آدمی قادر به انجام هیچ کاری برای تغییر دادن وضعیت خود نیست. نباید از یاد برد که مدرسه به وجودآورنده روحیه مقاومت و مخالفت نیز هست. نظر شما چیست؟ آیا خاطرهای از این مقاومت دارید؟

منبع

۱. شارع‌پور، محمود (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. انتشارات گل‌ها. قم.

مدرسه، نوعی خشونت نمادین

بورديو نیز بیشتر متوجه این مسئله است که فرهنگ چگونه از طریق مدرسه تولید می‌شود و مشروعیت می‌یابد. کار بورديو را می‌توان مکمل کار برنشتاین تصور کرد. به اعتقاد او، منبع نابرابری در جامعه بیشتر ماهیت فرهنگی دارد و فاصله بین فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی کودک، عامل مهمی در تعیین موفقیت کودک در نظام آموزشی محسوب می‌شود. از نظر او، عناصر فرهنگی نقش حلقه واسط را بین ساختار اقتصادی و آموزش مدرسه‌ای ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، خانواده هر کودکی نوع خاصی از دانش فرهنگی را به فرزند خود منتقل می‌کنند. در نتیجه فرزندان طبقه مسلط از همان ابتدا، دانش، مهارت، سبک ارتباطی و هنجارهای فرهنگی متفاوتی را از والدین خود به ارث می‌برند که با سرمایه فرهنگی فرزندان طبقات پایین تفاوت دارد و مورد تشویق مدرسه است. بورديو از مفهوم خشونت نمادین استفاده می‌کند. به این معنا که طبقات مختلف در دوره‌های متفاوت تاریخی، از طریق تسهیل معانی و مفاهیمی خاص در افکار و ارتباطات، به اعمال قدرت می‌پردازند. با کنترل آموزش و پرورش، طبقات مسلط بازتولید فرهنگ خاص خویش را تضمین می‌کنند. بنابراین فرهنگی که مدرسه منتقل می‌کند، میراث فرهنگی جمعی نیست، بلکه فرهنگ طبقات مسلط است. پس مدرسه نیز نوعی خشونت نمادین است.